

## متون دینی و آثار عملی ائمه، رازگشا و راهنما (۲)

### نویسنده: علی اکبر نوایی

**شبکه اجتهاد:** دوره‌ی امام حسین علیه السلام، دوره‌ی یکه تازی بنی امیه و تلاش در ایجاد انحرافات بزرگ فکری، فرهنگی و اجتماعی بود. آن‌ها مفاهیم اصیل دین را مورد تحریف قرار می‌دادند. با توجه به این واقعیت درآورد بود که آن حضرت علیه السلام موضعگیری‌های سنجیده، دردمندانه و الهام بخش و نجات بخش خود را در قالب گفتارها و نوشتارها و خطابه‌های آتشین ابلاغ فرمودند.

متونی که از امام حسین علیه السلام نقل شده، به دو صورت است.

(۱) صورت شفاهی، که مجموعه‌ی خطبه‌ها، موعظه‌ها، پندها و اندرزهای ایشان است که از زمان انتقال جریان امامت به ایشان آغاز گردیده تا کربلا و روز عاشورا تداوم یافته است.

(۲) صورت کتبی، که مجموعه‌ی نامه‌ها و پاسخ نامه‌های ایشان به سؤالات و نامه‌هایی بوده است که برای آن حضرت علیه السلام از نواحی مختلف سرزمین اسلامی آن روز ارسال می‌گردیده است و بعضاً نامه‌ها و مکتوباتی هستند که آن حضرت، ابتدا و رسماً برای افرادی مرقوم فرموده و ارسال می‌داشته اند. نمونه‌های فراوانی از هر دو نوع این مکتوبات وجود دارد که هر کدام فصل جدایی در ارائه‌ی معارف ربوبی و دینی شمرده می‌شود (نجمی، ۱۳۶۰، ۱۷). این نامه‌ها در متون مختلف، همچون بحارالانوار علامه مجلسی، اصول کافی، و سایر کتب تاریخی منعکس گردیده که همواره قادر است تشنگان معرفت و حقیقت را رهنمون شده و راه حقیقت و صراط مستقیم را برای همیشه بر آنان بشناساند.

دعای عرفه، الهام بخش حقایق؛ امام حسین علیه السلام، با همه‌ی ابعاد روحی و فضایل وجودی، در دعای عرفه متجلی می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌توان همه‌ی اندیشه‌ها، افکار، عزم و آهنگ‌ها، تصمیم‌ها، شور و جذبه‌ها، فنا شدن‌های در ذات الهی، ترک همه‌ی دنیا و غرق شدن‌ها در بحر بیکران احدیت را از آن دعای بلند دریافت نمود و در واقع، دعای عرفه، تفسیری از عظمت‌های وجودی امام حسین علیه السلام است.

راویان دعای عرفه، که از امام حسین علیه السلام صادر گردیده است، بشر و بشیر پسران غالب اسلامی هستند که آن را روایت نموده اند:

پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آن حضرت علیه السلام بودیم، پس از خیمه‌ی خود بیرون آمدند، با گروهی از اهل بیت علیهم السلام و فرزندان و شیعیان، با نهایت تذلل و خشوع، پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک خود را به سوی کعبه گردانیدند و دست‌ها را برابر رو برداشتند، مانند مسکینی که طعام طلبند و این دعا را خواندند «الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع و لا لعطائه مانع و لا کصنعه صنع صانع» (قمی، ۱۳۴۲، ۴۷۴).

این فقرات جنبه‌های معرفتی و مضامین عرفانی بلندی را در خود نهفته دارد؛ اقرار به توحید، ربوبیت الهی، تحولات پیدایش بشری و ضعف ساختاری در وجود انسانی و شکر این که در اهل کفر و امامان کفر او را به دنیا نیاورده، لکن وجود مبارکش را پس از رسالت جد بزرگوارش به دنیا آورده، حفظ الهی را در کودکی و لطف مدامش را یاد آورده و این که خداوند بندگانش و آفریدگانش را همواره مورد الطاف و نعم خویش قرار داده است، اما آن‌ها قدرناشناسی می‌کنند و سپاس

نعمت‌ها به جای نمی‌آورند. سپس شهادتی عمیق را ابراز فرموده که اگر تمام روزگاران در اختیارم باشد که شکر نعمتی واحد را به جا آورم نمی‌توانم.

سپس به وحدانیت الهی اشاره می‌فرماید و اشک ریزان عرض می‌کند اللهم اجعلنی اخشاک کافی اراک؛ خدایا مرا گونه ای قرار ده که از تو خشیت داشته باشم.

مجدداً نعمت‌های الهی را در حق انسان بیان می‌کند و رضای خدا را طلب می‌کند خدا را پناهگاه دائمی انسان دانسته و به آن تأکید می‌ورزد و نصرت بر دشمنان را از خدا مطالبه می‌کند و از خدایی که یونس را از شکم ماهی خارج می‌کند و دریا را برای بنی اسرائیل منشق می‌فرماید و فرعون و لشگریانش را تباه و هلاک می‌کند، می‌خواهد که او از درون تنگناها به نور هدایتش خارج نماید.

دقت در فقرات دعا، این حقیقت را ملموس می‌نماید که آن حضرت علیه السلام در حین خواندن دعا، به طور کامل حوادث کربلا را مد نظر داشته اند و شهادت خودشان را قضای برگشت ناپذیر الهی می‌دانسته اند و بر آن شکر ورزیده اند. بر گویندگان است که در ایام تبلیغی عاشورا فقرات بلند دعا را برای جامعه تبیین نماید.

### متون متعلق به امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام زینت عابدان و سردسته‌ی خیل عاشقان الهی و میراث‌گرائقدر عاشورا و مخزن اسرار الهی و معارف ربانی است که از ساحت قدسی وجود مبارکش، تشنگان معارف الهی را سیراب نموده و عاشقان جمال ربوبی را به مقصد نائل می‌نماید.

امامی که از شریعه‌ی مقدس جانش، حقایق فراوانی تراویده و همچون خورشیدی تابنده، فرا روی شیعیان خویش قرار داده است. آثار وجودی مبارک این امام همام را در فقرات گوناگون می‌توان دنبال نمود. در ادامه به اهم آن‌ها اشاره می‌نماییم.

۱) خطبه ای در شام؛ در مجلس یزید، خطبه ای طولانی ایراد فرموده، خطیب خود فروخته‌ی دربار را نهیب زده و بر جان خبیثش شرر انداخت و فرمود: ویلک ایها الخاطب اشتریت مرضات المخلوق بسخط الخالق فیتو مقعدک من النار؛ وای بر تو ای سخنگوی نگونبخت، تو رضای مخلوق را بر خشم خالق ترجیح داده و برگزیدی، این نشیمن گاهت آتش دوزخ باد. سپس رو به یزید کرده و فرمود: «أماذن لی ان اذهب الی هذه العواد؟» «آیا اجازتم می‌دهی به این چوب‌ها بنشینم و خطبه ای بخوانم؟». اجازه داده شد و پس از آن معارف ربوبی جوشید؛ برتری و فضیلت‌های خاندان عصمت را در گوش تاریخ طنین انداز کرده، عطایای شش گانه و فضیلت‌های هفت گانه‌ی خاندان طهارت را یاد کرده و رسوایی مداوم را برای باطل پیشگان تاریخ در پی آورد (فاضل، بی تا، ۲۸).

۲) نامه ای به محمد بن مسلم زهری، معروف به محمد بن شهاب زهری؛ محمد بن مسلم زهری، از علمای دربار امویان بوده و سمت قضاوت و فتوی را بر عهده داشته و از جهت اشتهار به علم و زهد، موقعیتی داشته و سخت خود فروخته بود و در عوض خوش خدمتی‌ها به امویان، موقعیت اجتماعی ظاهری را به وجود آورده بود. حضرت علیه السلام نامه ای به او نوشته و تکلیف فرد عالمی همچون او را مشخص فرموده است (فرانی، بی تا، ۳۱۳).

این نامه، متنی بلند و منشوری راه گشا برای عالمان به احکام دین و شریعت است.

۳) رساله الحقوق؛ این رساله‌ی شریف و مبارک را کتب معتبره‌ای به نقل و شرح در آورده اند. این رساله، در واقع، نامه‌ای است که آن حضرت علیه السلام به یکی از اصحاب خودشان مرقوم فرموده اند و بعد در قالب یک رساله‌ی حقوقی، به عنوان ذخیره‌ی گران مایه و گران بار در اختیار شیعه قرار گرفته است (فرانی، بی تا، ۲۹۱). این رساله ابعاد مختلف حقوق شخصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد.

۴) صحیفه‌ی سجادیه؛ صدور این متن شریف، از آن امام همام علیه السلام، از مسلمات تاریخی است و کسی در آن تردیدی نورزیده است. این سند شریف در مقدمه‌ی صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، منعکس گردیده و همه‌ی نسخ صحیفه، که توسط افراد مختلف شرح و ترجمه شده بیان گردیده است (الهی قمشه‌ای، بی تا، ۵ تا ۱۴). این متن شریف، در ابواب گوناگونی که روح و جوهر دین را منعکس می‌نماید، از کلمات نورانی آن حضرت علیه السلام در قالب دعا و نیایش شکل گرفته است. صدور این ادعیه، از آن روح پرستنده، در دوران خفقان اموی، برای انتقال مجدد معارف ربانی به تشنگان ربوبی بوده است.

### متون متعلق به امام باقر و امام صادق علیهم السلام

دورانی که امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در آن به سر می‌بردند، دوران محنت امت اسلامی بود و انتقال خلافت از امویان به عباسیان اتفاق افتاد. گیر و دار انتقال خلافت از دودمان بنی امیه به بنی عباس و پس ادعای بنی عباس مبنی بر شعار یاری آل محمد علیهم السلام، باعث گردید فضایی ایجاد گردد که آن دو امام همام بهتر بتوانند اندیشه‌ی شیعی را بسط و گسترش دهند، اما به دلیل گستردگی متونی که از آن دو امام بزرگ باقی مانده نمی‌توان در این نوشتار کوتاه به همه‌ی آن‌ها پرداخت.

### مدرسه‌ی علمی و فقهی امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام، از آن جهت، به باقر اهل بیت ملقب گردیده است که علوم مختلفه از زوایای وجودش نمایان بوده و جان علم و روح و لب آن را شکافته و به چنگ آورده است. تراوشات وجود مبارکش در عناوین ذیل مشهود است:

۱) تربیت شاگردان وارسته؛ او توانسته شاگردانی بلند آوازه، همچون عمر بن دینار، عبدالرحمن بن عمر اوزاعی، زید بن علی بن الحسین علیه السلام، قره بن خالد، محمد بن منکدر، یحیی بن کثیر، محمد بن مسلم ملقب به محمد شهاب زهری، ربیع‌الرافی، بکیر بن اعین، جابر جعفی، موسی بن سالم، موسی الحنط، قاسم بن فضل، معروف کوفی، ابان بن تغلب، برید عجلی، ابوحمزه ثمالی، حمران بن اعین، زراره و ... را تربیت نماید که هر کدام دارای مآثر فکری فراوان در تاریخ شیعی می‌باشند.

۲) نشر علوم الهی و دینی؛ امام باقر علیه السلام به انتشار علوم فراوانی دست زده و مدرسه‌ی فکری و علمی ایشان هم اکنون آثار گرانبغای را نمایان ساخته و در روایات فقهی، معارفی، فلسفی و عرفانی کم‌تر جایی است که نام امام صادق علیه السلام و روایاتی از ایشان وجود نداشته باشد.

۳) گشودن افق‌هایی نوین؛ آن امام بزرگ علیه السلام توانست مسیر مدرسه ای را بگشاید که در ادامه فرزند برومندشان امام صادق علیه السلام، آن مدرسه را امتداد بخشیدند و رشد و رونق معارف تشیع را سبب گشتند.

### مدرسه‌ی علمی و فقهی امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام، در مدرسه‌ی علمی خودشان، آثار پرمایه ای را بر جای نهادند در واقع زمینه را برای نشر تعالیم اسلامی و شیعی فراهم آوردند. دعوتی از آغاز نمودند و فقه شیعی و جعفری را به نیکی رواج دادند.

۱) تربیت زبندگان دین آگاه؛ ایشان توانستند شخصیت‌های بزرگی را به ظهور برسانند و در مدرسه‌ی علمی خودشان تربیت نمایند.

یکی دیگر از شاگردان ایشان ابان بن تغلب است که خود، صاحب تألیفات گران سنگی، همچون غریب القرآن، کتاب الفضائل، معانی القرآن، کتاب القراءت و کتاب الاصول فی الروایة علی مذهب الشیعه است. ابان بن عثمان، برید عجلی، زرارة بن اعین، محمد بن مسلم، جمیل بن وراج، جمیل بن صالح، حماد بن عثمان، حماد بن عیسی، حبیب بن ثابت و حمزه الطیار و هشام بن حکم و ... که هر کدام آثار وجودی گران قدری را با توجه به بهره‌هایی که از مکتب آن حضرت علیه السلام برده اند نشر داده اند، از شاگردان دیگر ایشان می‌باشند (حیدر، ۱۹۷۰، ۳۸).

۲) تنظیم و احیای تفکر شیعی؛ مذهب شیعه، پس از امام صادق علیه السلام، مشهور به مذهب جعفری گردیده که منسوب به آن گرمی است. ایشان به احیا و نشر مذهب در بلاد شام، جبل عامل لبنان، عراق، مصر، هند و ایران پرداختند و از همان روز به نام مذهب جعفری، طرفداران مصمم و نستوهی یافتند.

۳) مآثر فکری؛ اگر در فقه شیعه نگاهی بیفکنیم، سایه‌ی دل انگیز و گرمای روح بخش کلمات امام صادق علیه السلام در جای جای آن مشهود و محسوس است. این مآثر فکری در حوزه‌های مختلفی همچون وصایا به پیروان و شاگردان، مناظرات با صاحبان ادیان، تبیین فقه شیعی، عقاید شیعی و عرفان شیعی می‌باشد که فصول کثیر را به خود اختصاص داده است. به طور اجمال، متون ایجاد شده از مشرب علمی و وجودی آن امام همام بسیار گسترده است، که طالبان فضیلت را دست مایه ای فناپذیر و جهت دهنده و حیات بخش و تکامل آفرین می‌باشد. یکی از برکات نهضت علمی امام صادق علیه السلام، رواج کتابت حدیث پس از سالیانی دراز بود (پیش از آن کتابت حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله منع شده بود).

### متون متعلق به موسی بن جعفر علیه السلام

از امام مظلوم و حجت قاطع الهی و جامع علوم نبوی، گرچه به طور مستقل، متنی مورد اشاره قرار نگرفته است، اما از مجموعه‌ی کتب روایی کلمات نورانی آن حضرت علیه السلام بیان گردیده است. در واقع، گروه کثیری از بزرگان، دانشمندان و راویان حدیث، از کسانی که در مکتب امام صادق علیه السلام تحصیل می‌کردند، هنگام اقامت موسی بن جعفر علیه السلام در مدینه پیرامون وجود مبارک آن حضرت علیه السلام گرد آمدند و آن حضرت با وراثتی که از اجداد طاهرین خود داشتند و با عنایت خاص الهی، با توانایی بی بدیل، همچون پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام علوم و معارف الهی را توسعه دادند. آن حضرت علیه السلام، در آغاز، راه پدر بزرگوارش علیه السلام، را ادامه می‌داد، اما در

نتیجه‌ی تنگناها و مضامینی که از ناحیه‌ی عباسیان فراهم شد، ایشان را به مرکز خلافت‌هارون برده تا زیر نظر داشته باشند.

- ۱) صفوان و شترهایش که داستان پر عبرتی است، در اصول کافی و بحارالانوار نقل شده است.
- ۲) تعیین حدود و اراضی فدک که رنگ‌هارون از چهره اش پرید، در اصول کافی و دیگر کتب اربعه نقل گردیده است.
- ۳) روایت زیاد بن ابن سلمه از آن حضرت، که در اصول کافی نقل گردیده است.
- ۴) توصیه‌های آن حضرت علیه السلام به هشام، که در اصول کافی در کتاب العقل و الجهل و دیگر موارد آمده است.
- ۵) توصیه‌های آن گرامی به علی بن یقطین در باب تقیه و نحوه‌ی حضور در دربارهارون.
- ۶) روایت نجوم آسمان که در حضورهارون ایراد فرموده اند و آن را در مواردی که ضرورت دارد توصیه هم نموده اند و اشاره به این که اهل بیت علیهم السلام نجوم آسمان معنویت اند.
- ۷) وصیت‌های آن حضرت به علی بن موسی الرضا علیه السلام، که خود ماجرای مفصلی در تاریخ است.
- ۸) نقل‌هایی که از آن حضرت علیه السلام، در فلسفه‌ی احکام که ثبت شده است.

### متون متعلق به امام رضا علیه السلام

فرصت تاریخی مهمی برای امام رضا علیه السلام پیش آمد و آن، فراخوانی جبری ایشان از مدینه به خراسان و پذیرش ولایت عهدی بود. این فرصت تاریخی، تا زمان شهادت ایشان علیه السلام، مسیری را گرچه به جبر و ساختگی دستگاه خلافت، برای ایشان علیه السلام به وجود آورد که معارف ربانی و الهی را در طول این سفر بیان فرمایند؛ اگر چه قبل از آن، در مدینه نیز آن حضرت علیه السلام، به نشر علوم الهی و سنت اجداد طاهرینش اشتغال داشته اند. در فرصت ولایت عهدی، مکاتبات فراوان، سخنرانی‌ها، جلسات مناظره، مناسبت‌های پیش آمده، کلاس‌ها و درس‌های فراوانی از آن گرامی باقی مانده است که می‌توان به طور خلاصه، آن‌ها را در متون ذیل مورد اشاره قرار داد.

۱) مسند الامام الرضا علیه السلام، این کتاب نفیس را شیخ عزیزالله عطاردی خوبشانی در چاپخانه‌ی حیدری تهران در سال ۱۳۹۳ هجری به چاپ رساند. کلمه‌ی مسند در این عنوان، وصف کتاب مخصوصی است که به حضرت رضا علیه السلام اسناد داده شده است. این کتاب شامل شرح حال حضرت رضا علیه السلام است و حدود ۲۴۳۰ حدیث در آن است که در ۳۲ بخش دسته بندی شده است.

۲) عیون اخبار الرضا علیه السلام، مؤلف این کتاب، عالم جلیل القدر، شیخ صدوق قمی قدس سره است، که مرتبه‌ی ای بلند را در درک حدیث و درجه‌ی فقاقت به دست آورد. مؤلف محترم در جمع آوری این کتاب، فقط روایات مربوط به امام هشتم علیه السلام را گرد آورده و در مجموعه‌ی گران سنگی را برای مسلمین، به ویژه شیعیان، بر جای نهاده است. این کتاب ۶۹ فصل دارد که در هر فصلی رشحات وجود نور امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام در آن انعکاس یافته و هم اکنون به عنوان ذخیره‌ی فناپذیر و راه گشا در برابر دیدگان ما قرار گرفته است و بر ماست فهم و تدبیر در آن (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ۳۶).

۳) صحیفه‌ی رضوی علیه السلام، این صحیفه‌ی مبارکه نسخ متعددی دارد، مانند نسخه‌ی ای که در کتابخانه‌ی آیه الله مرعشی نجفی قدس سره است، نسخه‌ی ای که در خزانه است و نسخه‌ی ای که در کتابخانه‌ی فیضیه‌ی قم است و نسخه‌ی ای که میرزا حسین مزی و احمد بن عبدالله طبرسی آن را گرد آورده اند.

طبق آنچه که سید صاحب عباقت الانوار در کتاب خودش آورده است و از ابوشجاع شرویه دیلمی نقل کرده است، دوازده هزار حدیث کوتاه از صحاح و غرائب و افراد و صحیفه‌های دیگر گرد آورده که از وجود مبارک علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل گردیده است.

ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر زمخسری در کتاب خودش ربیع الابرار چنین آورده است: «کان یقول یحیی بن الحسین الحسینی فی اسناد صحیفه الرضا علیه السلام لو قری هذا الاسناد علی اذن مجنون الافاق»، که اگر سندهایش به گوش دیوانه‌های خوانده شود، خوب خواهد شد (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ۱۷).

در این صحیفه است حدیث سلسله الذهب و احادیث فراوان دیگر که سلسله‌ی سندش، به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدای متعال می‌رسد. این صحیفه، که مشتمل بر احادیث درخشانی است، کافی است در این که همه‌ی بشریت راهادی و راهنما باشد. در این کتب، مجموعه‌ی مناظرات، مکاتبات و سخنرانی‌های آن حضرت علیه السلام و نیز پاسخ به پرسش‌های مأمون و مجموعه‌ی حوادثی که حضرت علیه السلام در آن حوادث مطالبی را بیان فرموده اند، گرد آوری شده که برای طالبان فضیلت راه گشا و راز آموز است و در آن‌ها فلسفه‌ی احکام، فلسفه‌ی توحید، فلسفه‌ی معارف الهی و ... بیان گردیده است.

### متون متعلق به امام جواد و امام هادی علیه السلام

دوران کوتاه امامت امام جواد علیه السلام با حوادث دردآور و گوناگونی تلفیق گردیده است. بعد از امام رضا علیه السلام فرزندش محمد علیه السلام جواد بود که با مأمون و برادرش معتصم هم عصر بوده است. ایام امام جواد علیه السلام دارای نوعی از آزادی بوده و مأمون و معتصم به ظاهر نرمش نشان می‌دادند. عمر مبارک امام جواد علیه السلام کوتاه بود، اما انواع علوم و پاسخ مسائل مشکل فراوانی از ایشان به طور مفصل به جای مانده است.

۱) در مجلس یحیی اکتب؛

۲) آداب و مواعظ؛

۳) پرسش‌هایی که آن حضرت علیه السلام به طور مفصل پاسخ فرموده اند؛

۴) حکم قطع ید سارق.

از امام هادی علیه السلام که صفات پدران بزرگوارش را در خود جمع نموده و به اعلا درجه‌ی شرف و کرامت دست یازیده نیز نقل‌ها، خبرها و متن‌های متینی بر جای مانده است. امامی که اسرار حقایق و رازهای امور گوناگون را چنان که هستند ادراک فرموده است، به گونه‌ی ای که علمای زمانش، مردم را به رجوع به ایشان فرا می‌خواندند. مجموعه‌ی متون باقی مانده و منقول از این امام بزرگوار علیه السلام را به شرح ذیل اشاره می‌نماییم:

۱) روایاتی که امام‌هادی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرموده اند، مانند روایت ابودعامه که آن را مسعودی در مروج الذهب، جلد ۴ حدیث ۱۴۴ نقل نموده و مانند روایاتی که در جلد ۳ بحارالانوار از آن حضرت علیه السلام منقول است.

۲) روایاتی که در امالی شیخ طوسی علیه السلام، به طور مفصل، از آن حضرت علیه السلام نقل گردیده است. این روایات درباره‌ی ولایت، شفاعت، ویژگی‌های دوستداران خدا و عمل صالح و کلمه‌ی نیکو بیان گردیده است.

۳) روایاتی که در بحارالانوار ج ۱۰ نقل گردیده است.

۴) روایاتی که در امالی شیخ صدوق قدس سره نیز نقل گردیده است.

۵) روایاتی که از علی علیه السلام نقل گردیده و در امالی طوسی و مآثر الکبرا ج ۳ آمده است.

۶) روایاتی که از امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل فرموده و در کتاب مآثر الکبرا آمده است.

۷) روایاتی از موسی بن جعفر علیه السلام که در امالی شیخ طوسی آمده است.

۸) روایاتی که از امام رضا علیه السلام و از پدر بزرگوارش، امام جواد علیه السلام نقل فرموده است.

امام‌هادی علیه السلام بیشترین همت را در نشر علوم و معارف شریعت اسلامی و بیان احکام آن و تدریس علوم الهی داشته و عالمان و فقیهان پیرامونش گرد آمده و از سرچشمه‌ی علومش بهره می‌بردند و تدوین می‌نمودند آنچه را که از احادیث از آن حضرت علیه السلام بیان می‌شد. همین احادیث در نزد شیعه‌ی امامیه از مصادر تشریح دینی و اسلامی شمرده می‌شوند. ایشان علوم و احکامی را در مسائل فقهی، کلامی، معارفی و ... بیان فرموده که مراجعه کنندگان به آن بهره مند شده و از سرچشمه‌ی علم لدنی و الهی سیراب می‌شوند. درباره‌ی خمس، زکات، غسل، نماز در مکان غصبی، جامعه ای که از موی انسان بافته شده، سجود و احکام سجده، روزه و حج احکامی بیان فرموده است. در باب کمک به ستمگران، وقف، قضا و قضاوت، حدود کفر غلات که در کتاب‌های کلامی به نحو مبسوط وارد شده و باید به کتب مربوط مراجعه شود. متون کثیره‌ی دیگری از ایشان باقی مانده در قالب دعاها، همچون دعا برای نابودی کفر پیشگان و زیارت جامعه‌ی کبیره که همچون لؤلؤ درخشانی در بین دیگر زیارات می‌درخشد و سندش را شیخ الطائفه در تهذیب و صدوق در من لایحضر آورده است.

### متون متعلق به امام حسن عسگری علیه السلام

با این که آن حضرت علیه السلام، در دوره‌ی خفقان حکومت عباسیان و در عکسر (مقر استقرار ارتشیان) به سر می‌برده اند، اما همه‌ی تاریخ نگاران اجماع دارند بر این که امام عسگری علیه السلام در عصر خویش از مهم ترین و برجسته ترین شخصیت‌های علمی شمرده می‌شدند و کسی را یارای برابری با ایشان نبوده است. عالمان و زبندگان عصر آن حضرت علیه السلام اهتمام فراوانی در ضبط کلمات و کتابت نکات صادر شده از بیان مبارک ایشان داشته اند. در اعیان الشیعه ج ۴ قسمت ۳ در صفحات ۳۰۸/۳۰۹ روایاتی در باب توحید ایشان نقل شده که برجسته ترین معارف توحیدی را تشکیل می‌دهد. همچنین در من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۷۶ و مرآة الزمان ج ۶ ورقه ۱۹۲ روایاتی در فلسفه‌ی احکام از آن امام بزرگ علیه السلام نقل گردیده است.

همچنین در من لایحضره الفقیه ج ۲ و تهذیب ج ۱ و استبصار ج ۲ روایاتی در فلسفه‌ی احکام از ایشان علیه السلام بیان گردیده است.

توضیحات فراوانی از امام علیه السلام در پاسخ شیعیان صادر شده که هم اکنون در کتب روایی ما موجودند. آن حضرت راویان فراوانی داشته اند نظیر ابراهیم بن ابی حوض، ابراهیم بن خقیب، احمد بن اسحاق، احمد بن ادريس که تعداد آنها به ۱۰۷ نفر می‌رسد (شریف القریشی، ۱۴۰۹ هـ، ۱۷۵ - ۱۳۱).

### متون متعلق به امام زمان علیه السلام

از بیانات گهربار آن بقیه و ذخیره‌ی الهی، جهت تعیین تکالیف شیعه و مسلمانان در دوره‌ی غیبت، مطالب عمیقی باقی مانده که معیاری است بر راهی که باید شیعه در دوره‌ی غیبت طی نماید. این مطالب را در چند عنوان می‌توان مورد اشاره قرار داد.

### ارتباط با شیعه از طریق نواب خاص

بدان که وکیلان و نواب آن حضرت علیه السلام در زمان غیبت صغری، چنان که از کتب معتبره استفاده می‌شود، عده ای از انسان‌های مورد اعتماد و ستایش شده به اعتماد و امانت داری و صداقت هستند که از آنها اوامر و نواهی آن حضرت علیه السلام و کرامت‌ها و اخبار غیبی نقل شده است.

اول آنان، شیخ ابوعمر و عثمان بن سعید عمری است که توسط امام عسکری علیه السلام منصوب شده و فردی از قبیله‌ی بنی اسد است. دوم ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری است که چون پدرش فوت نمود به مقام او نشست با تصریح امام زمان و او راست کتبی تألیف شده و توقیع‌های زیادی با دست او نوشته شده است که درباره‌ی مهمات امر دین و دنیا و مسائل مردم می‌باشد. سوم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی است که از عاقل‌ترین مردم در نزد موافق و مخالف شمرده شده و در نزد عامه مقامی والا دارد. چهارم ابوالحسن علی بن محمد سمی است که به جای حسین بن روح نشسته و آخرین وکیل است و سپس امر رهبری به دست فقیهان قرار گرفته است.

نقل‌های فراوان دیگری از غیر طریق نواب اربعه وجود دارد که استقصای مواردی که نواب اربعه نقل فرموده اند و از طریق دیگر رسیده، کاری تفصیلی است. به طور اجمال، در مجموعه‌ی توقیعاتی که از طریق نواب معظم ایشان نقل شده، تکلیف شیعه روشن گردیده و راهی و معیاری است بر گزینش هدفی مشخص در دوره‌ی غیبت خصوصاً در توفیعی که اسحاق بن یعقوب از طریق محمد بن عثمان عمری دریافت کرده، امام زمان عجل الله تعالی فرجه فرموده اند: «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم علیکم و انا حجة الله»؛ اما در حوادث واقعه، به راویان احادیث، (که همان فقهای عادل و لایق رهبری و تصدی مقام ولایتند) رجوع کنید که آنان نماینده‌ی من بر شمایند و من هم نماینده‌ی خدایم (صافی گلپایگانی، بی تا، ۳۹۲).

منابع و مأخذ

(۱) ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۱۴ هـ)، الفتوح، تحقیق علی شبیری، بیروت، دارالاضواء، ج ۴.

(۲) ابن بابویه، شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین القمی (۱۳۷۲)، توحید، بیروت، اختر شمال.



- ۳) ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۱۶)، مناقب آل ابی طالب، تهران، بی تا، ج ۱.
- ۴) ابوالمظهر، شمس الدین، اوغلی، یوسف بن قز (سبط جوزی) (۱۴۰۱ هـ)، تذکره، بیروت، مؤسسه‌ی اهل البیت.
- ۵) الهی قمشه ای، محی الدین (بی تا)، صحیفه‌ی سجادیه، تهران، اسلامی.
- ۶) امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، وصیت نامه‌ی سیاسی - الهی، صحیفه‌ی نور، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۹، ص ۲۱.
- ۷) امین، محسن (بی تا)، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ج ۱.
- ۸) ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۴۰۳ هـ)، یتیمه‌ی الدهر فی محاسن اهل القصر، شرح و تحقیق مفید محمد قمحه، بی جا، ج ۳.
- ۹) حیدر، اسد (۱۹۷۰)، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، بیروت، دار الكتاب العربی.
- ۱۰) خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱)، تکلمه‌ی منهج الصالحین فی احکام القضاء و الشهادات و الحدود و القصاص و الديات، نجف، الادب.
- ۱۱) رهبر، محمد تقی و صاحبی مسلم (۱۳۷۹)، سرچشمه‌های نور، تهران، شرکت بین الملل سازمان تبلیغات.
- ۱۲) شیرازی، سید حسن (بی تا)، کلمه‌ی الامام الحسن، ترجمه‌ی علیرضا میرزا محمد، تهران، نور.
- ۱۳) صافی گلپایگانی، لطف الله (بی تا)، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، طهران، الصدر.
- ۱۴) صفار قمی، محمد بن حسن فروخ (۱۴۰۴ هـ)، بصائر الدرجات، بی جا.
- ۱۵) فاضل، جواد (بی تا)، معصوم ششم، تهران، کتب ایران.
- ۱۶) قمی، حاج شیخ عباس (۱۳۴۲)، مفاتیح الجنان، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه ای، تهران، چاپخانه‌ی محمد علی علمی.
- ۱۷) کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، اصول کافی، ترجمه‌ی مصطفوی، تهران، بی جا، ج ۱.
- ۱۸) مطهری، مرتضی (۱۳۵۴)، سیری در نهج البلاغه، تهران، رودکی.
- ۱۹) نجفی، محمد مهدی (۱۴۰۴ هـ)، صحیفه‌ی الامام الرضا علیه السلام، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۲۰) نجمی، محمد صادق (۱۳۶۰)، سخنان امام حسین علیه السلام از مدینه تا شهادت، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۱) یوسف مکی، سید حسین (۱۴۰۴ هـ)، عقیده‌ی الشیعه فی الامام الصادق علیه السلام، بیروت، دارالعلم.